

موضوعات نوین و ابتکارات قانون جدید کیفر همگانی

مسئولیت

- ۳ -

۳ - قدرت خارجی غیر قابل مقاومت موجب ارتکاب گناه شده است.
طرح قانون جدید هر يك از این سه موضوع برادر نظر گرفته و در طی موادی تکلیف جزائی بزهکاران مجنون و مست و خردسالان را تعیین نموده است که با توجه بمواد مربوطه قانون جدید يك آنها شرح داده میشود.
اثر جنون روی مسئولیت جزائی

قانون مجازات مصوبه ۱۳۰۴ در ماده ۴۰ متذکر است «کسیکه در حال ارتکاب جرم مجنون بوده یا اختلال دماغی داشته باشد مجرم محسوب نمیشود و مجازات نخواهد داشت ولی در صورت بقای جنون باید به بیمارستان تسلیم شود» این ماده صراحتاً علت عدم مجرمیت را احراز جنون و یا اختلال دماغی دانسته بشرط آنکه در حال ارتکاب موجود باشد و از طرف دیگر برای حفظ جامعه از خطر دیوانه غیر مسئول اعزام او را به تیمارستان الزامی دانسته ایرادیکه به ماده نامبرده میتوان نمود این است که اولاً با ذکر لفظ جنون علت دیگری که سلب فهم و اراده را از مرتکب گناه مینماید در نظر نگرفته و بنا بر این امراض گوناگونی که ممکن است منجر بزوال فهم و اراده شود صریحاً مورد نظر واقع نشده ثانیاً بین اختلال نام مشاعر و سستی و ضعف آنها مرحله دیگری قبول نکرده و از این لحاظ اشخاص با مسئولیت ناقص مجازات کامل میشوند - مواد ۲۴ و ۲۵ طرح قانون جدید رفع این دو نقیصه را نموده بدین ترتیب لفظ جنون در قانون دیده نشده و بطور کلی ماده مقرر میدارد «بواسطه اختلال نام مشاعر یا بعلمت دیگری فهم و یا اراده بکلی از او مسلوب

اثرات جنون و مستی در مسئولیت جزائی

«در مورد اشخاص غیر مسئول یعنی خردسالان»
«و مجانین تدابیری اتخاذ شده که از ابداعات اخیر علوم»
«جزائی است و در کنگره های بین المللی مورد»
«تصدیق واقع شده و قوانین جزائی جدید به نفعی از ملل»
«آنها قبول نموده در بهبودی اخلاق بزهکاران بسیار»
«موثر است»

گفتار جناب آقای نخست وزیر در موقع تقدیم
لایحه قانون بمجلس شورای ملی
در شهریور ماه ۱۳۱۸

در فصل مسئولیت که از قسمتهای نوین قانون کیفر همگانی جدید است در طی چند ماده توجه مخصوص به بزهکاران غیر مجرم شده که نظر به اهمیت آن مورد دقت و بحث واقع می شوند
در مقاله پیش ذکر شد که شعار قانون کیفر همگانی کشور های متمدن این است که غیر مسئول گناهکار نیست بنا بر این موضوع بحث این مقاله این است:

در چه شرائطی جامعه خود را برای تنبیه مرتکب جرم مجاز میداند؟ بطور کلی علت عدم مسئولیت را در تحت سه عنوان میتوان بیان نمود:

- ۱ - عدم مسئولیت بعلمت فقدان تمیز مرتکب از نظر کمی سن او - اطفال بزهکار
- ۲ - عدم مسئولیت بعلمت وجود مرضی است که مانع تسلط اراده بر روی اعصاب مرتکب گناه میباشد.

بوده و از طرف دیگر درجه ضعف مشاعر مورد دقت واقع شده و آنرا موجب تخفیف مجازات دانسته است لیکن بمقیده نگارنده بماده ۲۴ این قانون دو ایراد وارد است اولاً ماده مقرر میدارد در صورت اختلال مشاعر و عدم فهم یا اراده مرتکب مسئول نیست گرچه با ذکر عدم مسئولیت استنباط میشود که مرتکب نباید مجازات شود اما باریه قانون جدید ذکر امری باین اهمیت بطور غیر مستقیم موردی نداشته و چون صراحتاً در قانون مجازات ذکر نشده که شرط اجراء کیفر مسئولیت بزحکار است بهتر است گفته شود (کسیکه در موقع ارتکاب عمل اختلال مشاعر داشته و مجازات نمیشود) ثانیاً ماده متذکر است که مرتکب فهم و اراده نداشته باشد و حال آنکه شرط اجراء مجازات با توجه بماده ۳۶ همین قانون فهم و اراده توأماً میباشد چه اراده بدون فهم غیر متصور است و منظور مقنن در این ماده فهم بدون اراده نبوده که باین کیفیت صورت دیگری بخود میگیرد از این نظر ماده ۲۴ بمقیده اینجانب اینطور بیان میشود: کسی که در موقع ارتکاب عمل بواسطه اختلال نام مشاعر یا بعلمت دیگری فهم و اراده بکلی از او مسلوب بوده مجازات نخواهد شد

ماده ۲۵ - مطلب نوین مسئولیت مخفف را در بر داشته مقرر میدارد در صورت ضعف مشاعر مجازات مرتکب از ربع تا نصف کم میشود - باین کیفیت ضعف مشاعر یکی از قرائن مخففه قانونیست که استنباط دادرس برای تخفیف مجازات کافی است.

ماده ۴۷ قانون مجازات ایتالیا در این باب مقرر میدارد در صورتیکه ضعف مشاعر مرتکب جرم موجب تخفیف توجه تقصیر بشود بدون آنکه بکلی از او سلب مسئولیت بنماید مجازات جرم بطریق پائین کم میشود بنابراین طبق قانون ایتالیا نیز با توجه بکمیت مسئولیت مقدار کیفر تغییر پیدا میکند.

در دو ماده نامبرده قانون جدید وضعیت تامینی مجرم

غیر مسئول در نظر گرفته نشده لیکن در فصل اقدامات تامینی ماده ۱۹۴ ناظر بمورد مجاین نیز میباشد که بانواع تامین منظوره کاملاً متناسبتر از مقررات التزامی اعزام به بیمارستان ماده ۴۰ قانون فعلی میباشد در اینجا بی مناسبت نیست ذکر ماده ۳۹ قانون مجازات کشور نروژ که در این قسمت مقرر میدارد «وقتی بنظر دادگاه محرز شد که متهم برای انتظام جامعه بعلمت عدم مسئولیت» «یا مسئولیت مخفف خطرناک است ممکن است مقرر» «گردد که متهم به بیمارستان یا محل مخصوصی برای آنکه» «تحت مراقبت قرار گیرد اعزام شود»

در هر حال راجع به مجنون و کسیکه اختلال تام مشاعر دارد شك نیست که جایش در زندان نبوده و باید به بیمارستان فرستاده شود موضوع در وضعیت نیمه مجنون است آیا این شخص مریض است یا تبه کار یا هر دو با جواب این پرسش زندان یا بیمارستان یا محل دیگر برای تعیین و در نظر گرفته میشود.

بطور خلاصه مقررات قانون جدید راجع به اثرات جنون و اختلالات دماغی را میتوان چنین بیان نمود:

- ۱ - شرط عدم مسئولیت مرتکبی که مشاعر او مختل بوده این است که در موقع ارتکاب گناه در این حال باشد.

- ۲ - قانون تعریفی از اختلال مشاعر ننموده و با تعمیم ماده که میگوید «یا بعلمت دیگر» موضوع را برای بررسی و رسیدگی باز پرس و دادرس گذاشته.

- ۳ - بین جنون و سلامتی کامل دماغی درجات دیگری قائل شده که سبب تخفیف مجازات میشود

- ۴ - بطور کلی هیجان روحی و انقلابات اخلاقی شخص زار ارفع مسئولیت او قرار نداده مگر در مواقع استثنائی که صراحتاً قانون بیان میکند.

- ۵ - برای مجرم غیر مسئول اعمال تامینی در نظر گرفته که در مورد شرح ماده ۱۸۶ بآب اشاره خواهد شد.

اثر مستی روی مسئولیت جزائی - موضوع الکلیسم و اثرات آن در بز هکاری بسیار مهم بوده و متأسفانه بعلمت فرط حوادثی که در نتیجه این بلا رخ میدهد سزاوار است مفصلاً مورد دقت قرار گیرد در اینجا دو موضوع در نظر است یکی جنک علیه الکلیسم از نظر اجتماعی و خطرات آن در زندگانی خانوادگی همگانی دوم موقعیت جزائی و مسئولیت بز هکاران است که در حال مستی مرتکب گناه میشوند.

گر چه موضوع اولی فوق العاده مهم و امریست حیوتی لیکن از گفتار بحث ما خارج بوده و در صلاحیت بزشکان است که با ذکر خطرات این قسمت جامعه را از این پلویه خلاصی دهند فقط از نظر مقررات جزائی موضوع مورد دقت ما واقع میشود.

قانون مجازات ۱۳۰۴ بکلی در این قسمت ساکت بوده و چون بغیر از موادی که قانون صراحتاً علت سقوط مجازات و عدم مسئولیت را ذکر میکند نمیتوان مجرمی را از کیفر معاف نمود رویه داد گاهها این است که مستی رافع مسئولیت جزائی نبوده و دادرسان بدون اعتناء باین موضوع تعیین کیفر مینمایند.

طرح قانون جدید کیفر همگانی در طی چهار ماده ۲۷ تا ۳۰ مقررات نویسی برای این موضوع در نظر گرفته است که قبل از توجه بآن مواد نظر مختصری به قوانین سایر کشور ها میشود تا بهتر رویه متخذه قانون جدید ایران درك شود.

در اساس لزوم تنبیه و مجازات مست و مستی هیچگونه جای بحث و تردید نیست لغزش مرد بواسطه يك سستی که کاملاً اراده او میتواند جلو گیری کند نکوهیده بوده و باید باراده تحمیل کرد که گیلان و نوشابه را کنار گذارده و وسیله این تحمیل مجازات است چه مست مریض نبوده و تبه کار است.

قوانین کیفری کشورهای مختلف در این مورد همه يك

نواخت تصمیمی اتخاذ نکرده اند بعضی از کشور ها بکلی راجع به اثرات مستی از نظر جزائی ساکتند مانند قانون فرانسه بلژیک و آلمان همین رویه قانون ۱۳۰۴ ایران است در قانون فرانسه مقرراتی برای استعمال خود نوشابه و تظاهرات مستانه وجود دارد که در دفعه اول جنبه خلافی داشته و مجازات آن غرامت جزئی است در بار دوم تکرار جرم در صلاحیت داد گاه جنحه قرار گرفته و ممکن است مرتکب سخت تنبیه و غرامت شود لیکن مست و مستی بعلمت تظاهرات خارجی آن و از همین نظر مجازات میشود نه بعلمت ارتکاب گناهی که در حال مستی مرتکب شده.

کشور های دیگری که از نظر جزائی اثرات مستی را در نظر گرفته و تصمیماتی اتخاذ نموده اند آنها هم بدو دسته میشوند: برخی مست را هم از نظر مستی و هم از نظر ارتکاب گناهی که در آن حال رخ داده مستحق کیفر میدانند و دسته دیگر فقط شخص مست را بعلمت استعمال نوشابه مجازات نموده و برای ارتکاب گناهی که در حال غیر طبیعی انجام داده اند غیر مسئول میدانند.

یکی از کشور های شمالی اروپا راجع باثرات مستی دوموقعیت را در نظر میگیرد اگر استعمال نوشابه برای ارتکاب گناه باشد یعنی مجرم جهة خود نوشابه را محرک و وسیله قرار داده که برای ارتکاب گناه غیور تر بوده و بیم و هراسی نداشته باشد یا آنکه متعمداً این کار را کرده تادر ارتکاب گناه لغزشی نکند در این صورت باید در باره مرتکب کیفر جرم باتصمیم قبلی (که از قرائن مشدده است) اجرا نمود و اگر اینطور نبوده و استعمال نوشابه رابطه مستقیم با گناه مرتکبه ندارد مجازات عادی جرم قابل اجراست ماده ۲ قانون جزائی دولت اطریش مقرر میدارد: هیچ عمل یا ترك عملی را جرم نمیتوان دانست اگر ... مرتکب در حال مستی کامل بوده باشد مگر آنکه باتصمیم قبلی ارتکاب گناه استعمال نوشابه شده باشد طبق ماده نامبرده مقنن جزائی دولت اطریش مستی اتفاقی و

عادی را رافع مسئولیت جزائی میدانند همین قانون در جای دیگر مقرر میدارد اعمالی که در حال مستی کامل اجرا میشوند ممکن است در عداد خلافهای مهم قرار گیرد تقریباً این تصهیمات شبیه است بمقررات قانون فرانسه قانون ایتالیا مطابق ماده ۴۸ قانون این کشور مستی اتفاقی ممکن است موجب معافیت یا کسر مجازات شود و در مورد مستی عادی و ارادی مقنن ایتالیا یک درجه بندی مختلفی برای مجازات بزهکار به نسبت شدت مستی او قائل شده است برای آنکه تصهیمات مقنن و اثرات مستی از نظر جزائی روشن شود لازم است برای آن تقسیماتی قائل شد از نظر علت مستی - ممکن است یا اتفاقی و یا ارادی باشد و ارادی هم یا با تصمیم قبلی ارتکاب گناه است و یا بدون آن.

از نظر شدت اثرات مستی یا کامل و نام است و یا ناقص و مخفف.

از نظر شخص مرتکب - یا ممکن است استعمال نوشابه برای مرتکب عادت ثانوی شده و مسهومیت در او تولید کرده باشد و یا آنکه بطور اتفاق مرتکب بالکل آشناسده

و بالاخره مورد استثنائی دیگری است که شخص مست از اثرات الکل اطلاعی نداشته و نوشابه را نمی شناخته است طرح قانون جدید کیفر همگانی ایران موارد مختلفه مستی که در نتیجه استعمال الکل و یا مخدر دیگری تولید شده باشد در نظر گرفته که موضوع مقاله آتی ما خواهد بود این نکته نگفته نماند برای جنک علیه مستی و الکلیسم کافی نیست که منتظر حصول نتیجه این بلا در تظاهرات خارجی آن بوده و ماشین جزائی فقط در آن موقع بحرکت افتد باید قبل از ظهور این آثار پیش بینی کامل نموده و علل مستقیم بروز این آثار را از بین برد.

دکتر محمد شاهکار

قانون و حق

DROIT ET LOI

که بمعنی مدیر آمده است از همان واژه لاتینی می باشد.

ملت فرانسه از استعمال واژه «Droit» همان معنائی را می طلبد که در لوح خاطر تمام علماء حقوق نقش بسته است، یعنی متبادر بذهن از این کلمه در تمام دنیای حقوق و قضاوت همان است که بزبان تازی «قانون» می نامند.

پس از فحص و غور در ریشه و سرچشمه این کلمه میبایم که برای آن معانی بسیاری است؛ و مادر زیر بیاره از آنها اشاره مینمائیم.

(۱) کلمه «Droit» بمعنای حق است - یعنی باین کلمه آن منفعتی را که (قانون) برای یک فردی اعتراف مینماید و با آن خط مشی را که (قانون) برای یک

کلمه «قانون» در لغت تازی در قبال دو کلمه فرانسوی واقع شده است. آن کلمه کدامست؟ یکی «Droit» و دیگر «Loi»

نظر باینکه علماء فقه اللغه بویژه کسانی که در فقه اللغه زمانهای مختلف زحمت کشیده اند باینکه دلایلی معتقدند که لغات برای معانی بمنزله آینه و مرآت می باشند، یعنی همانطوریکه انسان صورت خود را در آینه مشاهده مینماید، همچنین معانی در آینه الفاظ دیده میشوند؛ بنابراین بر ما لازم است بدو معنی های مختلفی که برای این واژه اروپائی شده است تذکر داده آنگاه در نقطه نظر خود وارد شویم.

کلمه «Droit» از واژه لاتینی «Dirigere» که بمعنی اداره کردن است اشتقاق یافته چنانچه Directeur